



۲۰۱۶/۰۷/۲۲



داکتر نجیب بارکزی

اعلیحضرت بابای ملت

در ۴۰ سال حکومتش چه کرد؟



افغانستان عزیز در دورهٔ چهل سال سلطنت فرخندهٔ اعلیحضرت محمد ظاهر شاه "بابای ملت" توانست فاصلهٔ بیشتر از یک قرن را در عرصهٔ های مختلف انکشاف و ترقی ببیماید.

قسمت اول

متأسفانه در افغانستان بعضاً مردم ما تحت تأثیر تبلیغات وسیع قرار گرفته و مورد شست و شوی مغزی قرار می گیرند. اکثراً دیده شده که یک موضوع به طور غلط در جامعه چنان ورد زبان ها می شود، که دیگر جای شک در آن باقی نمی ماند، بدون آنکه موضوع تحت مطالعه قرار گیرد، بصورت یک حقیقت انکار ناپذیر به طور کورکورانه پذیرفته می شود. به طور مثال یک جملهٔ غلط که اکنون اکثریت مردم عزیز ما در آن شک ندارند و همه متفقاً آن را بحیثیت یک حقیقت پذیرفته اند عبارت از آنست که می گویند: «افغانستان و جاپان در یک روز استقلال شان را بدست آوردند، جاپان به کجا رسیده و افغانستان به کجاست؟». این جمله ای است که همهٔ ما آن را شنیده ایم و اکثر ما آن را پذیرفته ایم ولی نمی دانیم که از کجا منشاء گرفته است. بعضاً من متأسفانه تحلیلگران امور سیاسی و خبرگان را در میزهای مدور و تلویزیون ها و یا در جریان سخنرانی ها می بینم که این جمله را بدون آنکه در آن شک کنند، به اطمینان استعمال می نمایند.

این جمله غلط یک جزئی از تبلیغات وسیع دو جناح راست و چپ بر ضد رژیم شاهی (اعلیحضرت بابای ملت) می باشد و از آنجا منشاء گرفته است.

این دو گروه بعد از سقوط سلطنت تا امروز به نوبت در افغانستان حاکم شدند. آنها در مبارزه اهداف متفاوت داشتند، ولی به مقابل رژیم شاهی متفقاً عمل می کردند. تبلیغات وسیع و زهر آگین را بر ضد "اعلیحضرت بابای ملت" متفقاً به راه می انداختند. چون هر دو جناح دست به تبلیغات مشترک بر ضد رژیم شاهی زدند، ابعاد این تبلیغات خیلی وسیع شد، ملت تحت تأثیر این تبلیغات سوء و منفی قرار گرفته و مورد شست و شوی مغزی قرار گرفت. دو جمله غیر حقیقی و غلط که تا کنون هم اشتهاً به حیث حقیقت های انکار ناپذیر قبول شده اند عبارت اند از:

■ اول: "افغانستان و جاپان در یک روز استقلال شان را بدست آورده اند"

■ دوم: "اعلیحضرت بابای ملت در ۴۰ سال حکومتش چی کرد؟"

این دو جمله هر دو یک منشاء واحد دارند و با هم پیوست هستند، یعنی هر دو جمله اساس تبلیغات زهر آگین جناح چپ (کمونیست های افغان) و جناح راست (اسلام گرا ها و افراطیون مذهبی) بر ضد سلطنت "اعلیحضرت بابای ملت" را تشکیل می داد.

در اینجا می خواستم بحثی در مورد غلط ثابت کردن این دو جمله داشته باشم، تا باشد همان عزیزانی که نا آگانه مورد شست و شوی مغزی قرار گرفته اند، حقیقت ها را بپذیرند و در قبال واقعات احساساتی برخورد نکرده و قضاوت منصفانه نمایند.

● "افغانستان و جاپان در یک روز استقلال شان را بدست آورده اند"

به طور خلاصه باید بگویم که جاپان در طول تاریخش هیچگاه مستعمره نشده است. جاپانی ها از هیچ روز به نام روز استقلال تجلیل به عمل نمی آورند. در سال ۱۹۱۹م که "اعلیحضرت امان الله خان" استقلال و آزادی عام و تام افغانستان را اعلام نمود و استقلال کشور ما را از نگاه خارجی بالای برتانیه کبیر به رسمیت شناختند، جاپان خود یک امپراتوری و بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی آن زمان بود. در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹) جاپان و جرمنی به نیت تقسیم جهان بین شان متحد، و از جمله بازیگران اصلی این جنگ جهانی بودند.

● "اعلیحضرت بابای ملت در ۴۰ سال حکومتش چی کرد؟"

افغانستان که قبل از آغاز سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (۱۹۳۳م) شرایط خیلی دشواری را پشت سر گذرانده بود و تازه از جنگ های داومدار و تباہ کن انگلیس و بعداً دجالان آشوبگر "سقوی" که دار و ندار و همه چیز را به یغما بردند نفس راحت می کشید. در تمام کشور آثاری از زیربناها و روبنا ها باقی نمانده بود و کشور عزیز ما به عصر حجر و کمیون اولیه برگشته بود. درین زمان دشوار "سپهسالار محمد نادر خان" و بعداً پسر نابالغش "محمد ظاهر شاه" به کمک عمو های اصیلش کمر همت بستند تا افغانستان و افغان ها را از این وضعیت بیرون آورده و زندگی حد اقل انسانی را که حق شان بود، برای شان میسر بسازند. این کار خیلی دشوار بود و قربانی های زیادی را می بانیست پذیرفت، ولی این خاندان وطن دوست، عاشق ترقی، آسایش و دشمنان جنگ و تباہی توانست در طی مدت کوتاه، این کشور ویرانه را آباد و مالک همه سهولت های موجود جهان آن زمان نماید. اعلیحضرت بابای ملت در یکی از مصاحبه هایش این موضوع را به وضاحت بیان می کند که وی

در یک جایی به پادشاهی رسیده بود که هیچ چیزی برای زندگی عصر جدید جامعه بشری وجود نداشت، و مردم زندگی نزدیک به کمیون اولیه را می گذراندند، بابای ملت در یک مصاحبه ای که با رادیوی بی بی سی نموده بود، چنین می گوید:

"برای اولین بار در دوران نوجوانی در سفر به فرانسه، از دیدن تونل ها، دریاها، کشتی ها و شهرهای بزرگی مانند بمبئی در هندوستان، بسیار متعجب شدم. در فرانسه با خانواده یکی از نمایندگان پارلمان فرانسه زندگی کردم و در این سال ها برای اولین بار ارزش دیموکراسی را درک نمودم، به مطالعه آثار اروپایی پرداختم و با مردم فرانسه، هنرمندان این کشور و موسیقی فرانسوی آشنا شدم و انس گرفتم." با وجود آنهم، مردم ما که همه در جهل و بیسوادی به سر می بردند به زودترین فرصت در بین ملت های منطقه از نگاه تحصیل و تعلیم سیال گشتند.

اگرچه موضوع اصلی بحث درین مقاله، توضیح کار های بزرگی است که اعلیحضرت بابای ملت در طول چهل سال حکومتش انجام داده است، ولی باز هم برای معلومات بیشتر ذیلاً خلاصه کارهایی را که در چهل سال سلطنت بابای ملت اتفاق افتاده است بطور خلاصه قابل ذکر می دانم.

خلاصه دوره چهل ساله سلطنت اعلیحضرت بابای ملت:

۱- دوره صدارت سردار محمد هاشم خان در سلطنت بابای ملت (۱۹۳۳-۱۹۴۶م):

پس از قتل و شهادت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه، شهزاده محمد ظاهر شاه پسر ۱۷ ساله او بر اریکه قدرت نشست. در آن زمان اعلیحضرت بابای ملت به دلیل کمی سن و عدم تجربه کافی در امور کشور و دولت، نمی توانست از عهده زمامداری طوری که شاید و باید برآید. لذا کاکا هایش سردار محمد هاشم خان، سردار شاه ولی خان و سردار شاه محمود خان او را در اداره کشور کمک می نمودند.



محمد هاشم خان از سال ۱۳۱۲-۱۳۲۷ هجری شمسی مطابق به ۱۹۳۳-۱۹۴۶م، در کرسی صدارت عظمی افغانستان ایفای وظیفه نمود.

او در آغاز توجه خود را به عرصه های روابط بین الملل، حفظ امنیت کشور، توسعه حاکمیت دولت مرکزی و ایجاد نهاد های اداری مملکت معطوف داشت. جرایدی که در زمان صدارت وی به نشر می رسید اصلاح و انیس بود که دولتی بودند. در ولایت هرات روزنامه ای بنام اتفاق اسلام و در ولایت مزار شریف جریده ای بنام بیدار به نشر می رسید. "محمد هاشم خان" پس از شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه، در یک

سفر کاری به شمال افغانستان رفته بود، یک هفته آنجا بماند ولی بیعت نامه خویش را زودتر به کابل برای محمد ظاهر شاه فرستاد.

در زمان صدارت او اصلاحاتی ایجاد شد، مانند سرک هایی که از قندهار تا هرات کشیده شد و سرک مشهور دره شکاری. همین طور در برخی از ولایت ها و از ولایت های مختلف به کابل جاده های موتر رو احداث گردید. جدیت و قاطعیت سردار محمد هاشم خان باعث تکمیل حاکمیت دولتی و قانون و امنیت در سراسر

افغانستان گردید. افغان ها باید بخاطر ثبات، امنیت و حاکمیت تام دولتی در سال های بعدی، مدیون کوشش های این مرد با تدبیر و صاحب دسپلین باشند.

حکومت سردار محمد هاشم خان در زمینه اقتصادی و شاخه های تجاری و بانکی، نظارت دولت را بر امور مربوطه با دسپلین خاص و توجه جدی به بهترین وجه آن عملی ساخت. پدیده مهمی که در زمان او در حیات اقتصادی افغانستان رونما شد، تأسیس اولین بانک بصورت عصری و مجهز در افغانستان بود. این بانک که بنام بانک ملی افغانستان نامگذاری شده بود در سال (۱۹۳۴) صرف ۱۱ ماه بعد از بدست گرفتن امور صدارت عظمی از طرف سردار محمد هاشم خان بود. "بانک ملی افغانستان با شرکت سهام افغان (که پیشتر تأسیس شده بود) از امکانات مالی و تخنیکی بلندی برخوردار بود، به صورت یک قطب مالی تعیین کننده در اقتصاد افغانستان، تاثیر گذاشت"¹

"در سال ۱۳۱۴ شمسی مجموعاً ۴۲ شرکت تجاری وجود داشت که کوچکترین آن شرکت برادران در رشته چرم و بوت دوزی با ۰۰ / ۲۵۰۰۰۰ افغانی و بزرگترین آن بانک ملی افغان با ۲۱ میلیون افغانی بود."² که این همه به اثر توجه و هدایت مستقیم صدراعظم افغانستان سردار محمد هاشم خان پا به وجود گذاشته بود.

در زمانیکه سردار محمد هاشم خان سفیر اعلیحضرت امان الله خان در ماسکو بود به تحصیلات و زندگی و اطوار محصلین افغانی سخت توجه داشت چه می دانست که آینده افغانستان مربوط همین نسل تعلیم یافته و جوانان آگاه خواهد بود. کوشش میکرد هر محصل افغان را که چه در رشته های نظامی و چه در رشته های ملکی مصروف تحصیل بودند از نزدیک بشناسد و از سویه و زحمت کشی و برازندگی یا تنبلی و روز گذرانی آنها با خیر باشد. در همین وقت است که محصل جوانی را که از پول شخصی اش مصروف تحصیل مسایل اقتصادی است و در عین زمان به تجارت هم اشتغال دارد، معرفی می شود. با چند دیدار سخت مجذوب دانش، ذکاوت و برازندگی این جوان میشود و به وی بیشتر از دیگران توجه میکند. وقتی این جوان که عبدالمجید زابلی نام دارد به افغانستان می آید و به دیدار صدراعظم افغانستان مشرف می شود، سردار محمد هاشم خان با وی راجع به مشکلات اجتماعی، غربت جامعه، نبود نهاد های تجاری مودرن، نبود فابریکات تولیدی و نبود بانک در افغانستان حرف می زند، زابلی مذکور یک سلسله پیشنهادات سازنده ای را در همه ساحات به سردار پیشکش میکند که سردار محمد هاشم خان همه حرف ها و پیشنهادات او را به حال افغانستان و مردم آن مفید و سازنده عرض یابی می کند و با وی توافق میکند که همه پلان ها و پروژه هایش روی کاغذ بیاورد و امکانات و روند تطبیق آنها به استحضار وی برساند. عبدالمجید خان زابلی، با توافق و پشتیبانی صدراعظم وقت زمینه های ایجاد یک بانک و تعدادی از مؤسسات تجاری و تولیدی را فراهم می سازد. به زودی و به ذکاوت فطری و پشت کار عبدالمجید زابلی و همکاری و پشتیبانی حکومت تأسیس در ظرف یک دهه، شرکت سهامی نساجی در کابل با تهداب گذاری فابریکه پشمینه بافی در کابل، فابریکه نساجی در جبل السراج، فابریکه نساجی و بند برق در پلخمری، فابریکه قند در بغلان، فابریکات جن و پارس پخته و تیل کشی در قندز، شرکت وطن در کابل، و غیره بند ها و فابریکات تولید برق از آن جمله اند.

1- سازمان رهایی بخش خلق های افغانستان. (سرخا) چگونگی رشد بورژوازی. ص 13. زمستان 1357. کابل
2- سازمان رهایی بخش خلق های افغانستان. (سرخا) چگونگی رشد بورژوازی. ص 132. زمستان 1357. کابل

در تداوم تلاش هایی که در زمینه سیاست جهانی در زمان حکومت سردار محمد هاشم خان، (۱۹۳۴) در پیش گرفته شد، افغانستان شمولیت در جامعه ملل را که بعدها مل متحد نامیده شد، حاصل کرد و با کشورهای ایران، عراق و ترکیه معاهدات عدم تعرض را به امضاء رسانیده، روابط عادی را با اتحاد جماهیر شوروی ادامه داد. کارهای بزرگی که درین دوره صورت گرفته است قرار ذیل فشرده میشود:

- ❖ در مارچ سال ۱۹۳۴م سپردن انحصار تجارت خارجی به شرکت سهامی، در همین سال افغانستان عضویت سازمان ملل متحد را بدست آورد که در آن زمان بنام سازمان ملل نامیده می شد،
- ❖ در سال ۱۹۳۵م با حکمیت کشور ترکیه اختلاف سرحد میان افغانستان و ایران را حل و فصل نمود،
- ❖ در سال ۱۹۳۶م اولین معاهده دوستی بین افغانستان و ایالات متحده آمریکا در لندن به امضاء رسید.
- ❖ در سال ۱۹۳۷م فرمان شاهی در رابطه به تعمیم زبان پشتو نشر گردید، در همین سال پیمانی میان نمایندگان چهار کشور افغانستان ایران ترکیه و عراق به منظور استقرار صلح و امنیت در شرق نزدیک، عدم تعرض، تشدید روابط و همکاری های متقابل در ده ماده در قصر سعد آباد به امضاء رسید.
- ❖ در سال ۱۹۳۸م (۲۶حمله) مسافرت "سید باقر کاظمی" وزیر خارجه ایران به کابل و امضای قرارداد راجع به تقسیم آب هلمند.
- ❖ در سال ۱۹۳۸م (ماه می) قرارداد تفحص و استخراج نفت با شرکت امریکایی.
- ❖ در سال ۱۹۳۹م (ششم سپتمبر) حکومت افغانستان توسط فرمان شاهی بیطرفی اش را در جنگ دوم جهانی اعلام نمود.
- ❖ در همین سال ۱۹۳۹م فابریکه قند بغلان به فعالیت آغاز نمود، در ۵-۶ نوامبر ۱۹۴۱ لویه جرگه راجع به تائید بیطرفی افغانستان، ۱۹۴۲/۴/۲۷ پذیرفتن اولین وزیر مختار امریکا در کابل، ۱۹۴۳ بکار افتادن فابریکه نساجی پلخمری و غیره.

۲- دوره صدارت "سردار شاه محمود خان" در سلطنت اعلیحضرت بابای ملت (۱۹۴۶-۱۹۵۳م):



تا این زمان اعلیحضرت بابای ملت دست کاملاً باز در مسائل حکومتی نداشت. آهسته آهسته اعلیحضرت بابای ملت با گذشت زمان در اداره دولت دست باز تر پیدا می کند، در سال های صدارت سردار "شاه محمود خان" کارهای فوق العاده ای تحت نظر مستقیم اعلیحضرت بابای ملت انجام می یابد که می توان آن را بطور ذیل خلاصه نمود:

- ❖ امضای معاهده خط تالویگ بین افغانستان و اتحاد شوروی، در پی توسعه روابط با دول جهان.
- ❖ مسافرت های کاری سردار شاه محمود خان به لندن و امریکا.
- ❖ در سال ۱۹۴۷ (۳۰ سپتمبر) نمایندگان افغانستان در سازمان ملل متحد در برابر پذیرفتن پاکستان در آن سازمان رأی مخالف دادند.

- ❖ در سال ۱۹۴۸م انتخابات آزاد بلدیہ (شاروالی) به اساس رأی سری در کابل برگزار شد. ولی اکنون که بیشتر ۶۰ از آن می گذرد باوجود آن که شاروالی ها نظر به قانون انتخابی است ولی ما از عهده برگزاری انتخابات شاروالی ها عاجز هستیم.
- ❖ در همین سال ۱۹۴۸م امضای موافقتنامه راجع به رودخانه کشک با اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت.
- ❖ در سال ۱۹۴۹م انتخابات دوره هفتم شورای ملی (ولسی جرگه و مشرانو جرگه)، با موفقیت انجام شد و وکلای مردم در آن کرسی های خود را اشغال کردند.
- ❖ در سال ۱۹۵۰م معاهده دوستی و همکاری های متقابل با کشور هندوستان به امضاء رسید.
- ❖ در همین سال ۱۹۵۰م جمهوری مردم چین از طرف افغانستان به رسمیت شناخته شد و بازهم در همین سال ۱۹۵۰م تظاهرات عظیمی بخاطر مداخله غیر قانونی وزارت داخله در امور انتخابات در شهر کابل به راه افتاد.
- ❖ در سال ۱۹۵۱م آزادی مطبوعات افغانستان از طرف سردار شاه محمود خان دومین صدراعظم سلطنت اعلان گردید و روزنامه ها و جراید آزاد از قبیل جریده انگار، جریده ندای خلق، جریده وطن و جریده ولس، با محتوای آزاد و دور از هر گونه کنترول چاپ و به مردم توزیع گردید.
- ❖ در همین سال ۱۹۵۱م مسافرت سپهسالار شاه محمود خان به اضلاع متحده امریکا مسافرت رسمی داشت.
- ❖ در همین سال ۱۹۵۱م آمادگی های لازم برای انتخابات دوره هشتم شورای ملی (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) گرفته شد. و غیره...

